

نقدی بر نظریه آفرینش تبعی زن در قرآن

فرح‌الله هدایت‌نیا*

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷)

چکیده

درباره آفرینش انسان، آدم و حوا و به طور کلی، درباره آفرینش دو صنف مرد و زن میان مفسران اتفاق نظر وجود ندارد. دیدگاه‌های آنان درباره این موضوع به دو نظریه کلی بازمی‌گردد. بسیاری از مفسران، آفرینش مرد و زن را از منشی متفاوت و برای اهداف متفاوت می‌دانند و معتقدند که خدای سبحان حوا را از قسمتی از بدن حضرت آدم آفریده‌است. همچنین، معتقدند خدای متعال زن را برای آرامش شوهر خلق کرده‌است. نتیجه این نظریه، فرادستی و سروری مرد بر زن و آفرینش تبعی زن در نظام ارزشی اسلام می‌باشد. گروهی دیگر از آنان، منشأ و هدف آفرینش آدم و حوا را مشترک می‌دانند و معتقدند که مردان و زنان در آفرینش و به لحاظ شرافت و ارزش یکسان و همسان هستند. مطابق این نظریه، خدای متعال زن و شوهر را برای آفرینش یکدیگر آفریده‌است. با توجه به تأثیر این نظریات در نظام فقهی- حقوقی و فرهنگی- اجتماعی، در این جستار تلاش شده ادله نظریه آفرینش تبعی زن بررسی و ارزیابی شود و نشان داده شود که آدم و حوا و به طور کلی، مرد و زن از منشاء مشترک و برای هدف یکسان آفریده شده‌اند و هیچ یک بر دیگری شرافت و سروری ندارد.

واژگان کلیدی: آفرینش تبعی، آدم، حوا، مرد، زن.

* E-mail: Hedayat47@gmail.com

مقدمه

چگونگی آفرینش انسان نخستین یا حضرت آدم و همسرش حوا - علیهما السلام - از موضوعات بحث‌برانگیز از منظر انسان‌شناسی در قرآن کریم است. آیات متعددی از قرآن کریم به مسئله آفرینش انسان، آدم و حوا مربوط است؛ از جمله در آیه ۱۸۹ سوره اعراف چنین آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید... ﴿

همین مضمون با اندکی تفاوت در آیات دیگر مانند آیه نخست سوره مبارکه نساء^۱ و آیه ۶ سوره مبارکه زمر^۲ دیده می‌شود. همچنین، در آیه ۹۸ سوره انعام آمده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ...﴾ اوست که شما را از یک نفس آفرید؛ و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار ﴿.

افزون بر آیات فوق، در آیه ۲۱ سوره روم با اشاره به آفرینش انسان و همسر برای آرامش او چنین آمده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید... ﴿.

پرسش‌های متعددی درباره مفاد آیات فوق مطرح شده است؛ مثلاً: مقصود از «نفس واحده» چیست؟ منظور از «زوج» چیست و چگونه آفریده شده است؟ این آفرینش از همان نفس واحده یا از منشاء دیگری است؟ آیا هدف از آفرینش حضرت آدم و همسر او یا به طور کلی، هدف از آفرینش مردان و همسرانشان یکی است؟ آیا حضرت آدم و نوع مردان در آفرینش بر حوا و نوع زنان شرافت و فضیلت دارند؟ در باب این پرسش‌ها میان مفسران قرآن کریم دیدگاهی مشترک وجود ندارد. گروه پرشماری از مفسران، آفرینش آدم و حوا و نیز مرد و زن را از منشاء متفاوت و برای اهداف متفاوت می‌دانند. به باور بعضی از آنان، خدای سبحان حضرت آدم را برای پرستش آفریده است. آنگاه از قسمتی از بدن او همسرش (حوا) را آفرید تا مایه آرامش او باشد. در نتیجه، حضرت آدم

اصل و حوا فرع و تابع او است. اگر این سخن صحیح باشد، حضرت آدم بر حوا شرافت و سروری خواهد داشت؛ چراکه اصل برتر از فرع است. این نظریه یادآور دیدگاه برخی فلاسفه قدیم است که انسان‌ها را به فرادست و فرودست تقسیم می‌کردند. برخی از آنان بر این باور بودند که خداوند بعضی انسان‌ها را برتر از دیگران (فرادست طبیعی) و عده‌ای دیگر را پست‌تر و نازل‌تر (فرودست طبیعی) آفریده است.

نظریه آفرینش فرعی و تبعی زنان، دیدگاه رایج مفسران تا پیش از سال‌های اخیر بود و هنوز هم مدافعان زیادی دارد، ولی در سال‌های اخیر پایه‌های آن فروریخته، در حال رنگ باختن است. گروهی از مفسران منشاء آفرینش مرد و زن و هدف آن را مشترک دانسته‌اند و آنان را در نظام ارزشی اسلام یکسان شمرده‌اند. به باور آنان، امتیاز آدمیان بر یکدیگر در فضایل یا اوصاف اکتسابی نظیر تقوی، دانش، جهاد و مانند آن است. این نظریه با تلاش علامه طباطبائی قوت یافت و به یاری شاگردان ایشان تثبیت شد. با توجه به تأثیر این مسئله در نوع نگاه به جنس زن و نیز پیامدهای هر یک از نظریه‌های فوق در فقه و حقوق و نیز در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی، شایسته است آرای مفسران و ادله آنان در نظریه آفرینش تبعی و فرعی زنان بررسی و ارزیابی شود. نوشتار حاضر نخست آرای مفسران پیرامون آفرینش تبعی زن را بازخوانی، نقد و بررسی می‌کند و در پایان، به آفرینش زن در روایات تفسیری توجه خواهد کرد.

۱. آفرینش تبعی زن و آثار آن در منابع تفسیری

نظریه آفرینش تبعی زن از دو قول در منابع تفسیری استنباط می‌شود: یکی قول به آفرینش حوا از حضرت آدم^(ع) و دیگری قول به آفرینش زن برای شوهر است. بر اساس این دو قول، آفرینش زن تابعی از آفرینش مردان است و به منظور آرامش بخشی به آنان صورت گرفته است. در اینجا، لازم است نخست آرای مفسران پیرامون این دو مطلب بازخوانی گردد.

۲. بازخوانی نظریه‌های تفسیری پیرامون آفرینش تبعی زن

۲-۱. نظریه آفرینش حوا از آدم

آرای مفسران در باب چگونگی آفرینش انسان نخستین و حضرت آدم^(ع) و حوا پیرامون جملات «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» و «مِنْهَا زَوْجَهَا» در آیات قرآن، از جمله آیه ۱۸۹ سوره اعراف بیان شده است. در این آیه آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید...﴿

مفسران نوعاً «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در این آیه را به حضرت آدم^(ع) و «زَوْجَهَا» را به حوا تفسیر کرده‌اند. بعضی مفسران شیعی (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۵) و سنی (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۴۵۱) دیدگاه مزبور را به همه مفسران قرآن کریم نسبت داده‌اند. بسیاری از آنان نوشته‌اند که حوا از قسمتی از بدن حضرت آدم آفریده شده است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۵۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۸۵۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۲: ۱۸۲؛ ماوردی، بی تا، ج ۱: ۴۴۶؛ شریف‌الرضی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۳۰۹؛ واحدی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۵۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۲۳۴؛ نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۴۹؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۵۴؛ شبلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۰۸؛ کاشانی، بی تا، ج ۲: ۴۱۵ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۰۷). مطابق این تفسیر، کلمه «مِنْ» در جمله «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» برای تبعیض و بدین معنی است که حوا از قسمتی از آدم یا جزئی از او خلق شده است (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۹). طبرسی مدعی است که اکثر مفسران چنین نظری دارند: «ذَهَبَ أَكْثَرُ الْمُفْسِرِينَ إِلَى أَنَّهَا خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ مِنْ أَضْلَاعِ آدَمَ^(ع)» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۵). فخر رازی نیز می‌گوید:

«نظر اکثر مفسران این است که پس از آفرینش آدم، خدای متعال خوابی بر وی مستولی ساخت. سپس حوا را از استخوان‌های چپ آن جناب آفرید. چون آدم بیدار شد و حوا را دید، به سوی او مایل شد و با او انس گرفت؛ زیرا حوا از جزئی از اجزای خود او آفریده شد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ۴۷۷).

سپس وی این قول را اقوی می‌شمارد (ر.ک؛ همان). نظیر این مطلب در منابع دیگر نیز مشاهده می‌شود (ر.ک؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۲۳۴). بعضی منابع به نقل از ابن عباس نوشته‌اند:

«خداوند مرد را از خاک و آب آفرید. پس مردان همت و هدفشان رسیدن به همان آب و خاک است، ولی زن را از مرد آفرید، پس همت و هدفشان رسیدن به مردان است. پس این بیان نتیجه می‌دهد که از طریق حبس زن در خانه میان او و مردان حایل شوید» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۱۶).

این نظریه موجب شبهه‌ای می‌شود و آن اینکه اگر حوا از آدم^(ع) خلق شده باشد، با توجه به اینکه ما انسان‌ها نیز از آن حضرت هستیم، نسبت حوا به آدم^(ع) نسبت فرزند به پدر است. در پاسخ این پرسش و دفاع از نظریه مزبور گفته‌اند: «حرف "من" برای تبعیض است، ولی حوا از آدم^(ع) به شیوه تولید خلق نشد تا حکم فرزند نسبت به پدر داشته باشد. پس آنان دختر و پدر نبوده‌اند (ر.ک؛ زین‌الدین رازی، ۱۴۲۳ق: ۴۶).

۲-۲. نظریه آفرینش زن برای شوهر

گروهی از مفسران، آفرینش زن را تبعی و فرعی شمرده‌اند. بعضی از آنان ذیل آیات آفرینش انسان نوشته‌اند: وجود زنان تابع وجود مردان و مردان اصول و زنان فروع هستند. از این رو، زنان برای مردان آفریده شده‌اند (ر.ک؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۳). بعضی درباره آیه ۲۱ سوره روم و ذیل بیان ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ نوشته‌اند: «از حجت‌های خداوند و ادله آفرینش او آن است که برای جناب آدم از جنس خودش همسری آفرید تا با آن آرامش یابد» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱: ۲۱). تفسیر فوق در منابع متعددی مشاهده می‌شود (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴: ۱۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۲۵۰؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۴۸ و حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۷: ۱۹).

بعضی مفسران تا بدانجا پیش رفته، در سخنانی عجیب گفته‌اند: «تعبیر ﴿خَلَقَ لَكُمْ﴾ دلیل بر آن است که زنان مانند چارپایان و نباتات برای مردان آفریده شده‌اند؛ همان طور که خداوند فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ (البقره / ۲۹)»

(فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۵: ۹۱). بعضی دیگر نوشته‌اند: «زنان مانند مردان برای عبادت و تکلیف خلق نشده‌اند، بلکه آفرینش زنان مانند سایر آفریده‌ها، نعمت خداوند بر ماست. تکلیف آنان برای آن است که از عذاب خوف داشته، مطیع شوهران خود باشند» (همان). بعضی دیگر نوشته‌اند: «از جمله نعمت‌های خداوند برای انسان، حیوانات مختلف هستند. بعضی از حیوانات برای خوردن، بعضی برای سوار شدن و زینت، بعضی برای بار کشیدن، بعضی برای تجمل و آسایش، و بعضی برای نکاح و آمیزش» (صدرای شیرازی، ۱۹۸۱م.، ج ۷: ۱۳۷).^۳ در عبارت این مفسر، به صراحت از زنان نام برده نشد. به همین دلیل، در توجیه عبارت ایشان ممکن است گفته شود منظور ایشان از حیوان، مفهوم فلسفی یا منطقی آن، یعنی «حیوان ناطق» است. با این حال، حاج ملاهادی سبزواری عبارت فوق را به زنان تطبیق داده است و آن را تأیید نموده، نوشته است:

«اینکه صدرالمتهین زنان را در شمار حیوانات درآورد، اشاره لطیفی است به اینکه آنان به علت ضعف عقل و ناتوانی بر ادراک جزئیات و رغبت به زیورها و زینت‌های دنیا، حقیقتاً نزدیک است به حیوانات زبان بسته ملحق باشند. اغلب آنان سیرت چهارپایان دارند، ولی به آنان صورت انسان داده شد تا مردان از مصاحبت با آنها اکراه نداشته، به ازدواج با آنان راغب باشند» (همان).^۴

۳-۲. آثار تبعی شماری آفرینش زن

تبعی شماری آفرینش زن آثار فراوانی دارد که در اینجا به اختصار به آثار کلامی و فقهی آن اشاره می‌شود.

۴-۲. اثر کلامی تبعی شماری آفرینش زن

از منظر کلامی، نتیجه تبعی شماری آفرینش زن آن است که مردان در آفرینش بر زنان شرافت و سروری دارند. این دیدگاه شبیه نظریه فرادستی طبیعی مردان و فرودستی طبیعی زنان است که در آرا و نظریه‌های برخی فیلسوفان قدیم، مانند ارسطو دیده می‌شود. ارسطو به دو دسته از فرودستان طبیعی اشاره می‌کند: یک دسته بردگان که تعقل آنان

معیوب و ناقص است^۵ و دسته دوم «زنان» هستند. او معتقد است زنان به گونه‌ای آفریده شده‌اند که زیر سلطه مردان باشند. به عقیده او، زنان برده طبیعی نیستند؛ زیرا عقلانیت کامل دارند. با این همه، عقلانیت و قوه اندیشیدن زنان مؤثر نیست^۶ و همین موجب می‌شود که مردان که قوه عقلانیت کامل و مؤثری دارند، بر زنان سلطه داشته باشند. این کمال عقلانیت مردان و نقص عقلانیت زنان نیز طبیعی، و تدبیر آفرینش است.^۷

۲-۵. اثر فقهی تبعی‌شماری آفرینش زن

نظریه آفرینش تبعی زن به منابع فقهی راه یافته‌است. بعضی منابع فقهی میان احکام متفاوت مرد و زن در اسلام و چگونگی آفرینش آنان رابطه برقرار کرده‌اند (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳: ۳). همچنین، در بحث میراث خنثی و اینکه سهمی که به او تعلق می‌گیرد، سهم پسر است یا دختر، بعضی فقها گفته‌اند که دنده‌های او را می‌شمارند، اگر در هر دو طرف هشت دنده بود، حکم به انوئیت او داده می‌شود و اگر در طرف راست نه دنده و در طرف چپ هشت دنده شد و مجموعاً ۱۷ دنده داشت، حکم به ذکوریت او داده می‌شود. اگر در هر دو طرف دنده‌های مساوی داشت، اما در طرف چپ یک دنده کوچک و کوتاه باشد، باز به ذکوریت او حکم می‌شود! در حالی که بعضی بر اساس حس و تجربه تعداد دنده‌های پسر و دختر را برابر دانسته‌اند، ولی بعضی دیگر بر مطالب فوق پافشاری کرده، گفته‌اند با وجود روایات، به حس و تجربه اعتماد نمی‌شود (ر.ک؛ نجفی، بی تا، ج ۳۹: ۲۸۳ و ۲۸۴).

۳. نقد تفسیری نظریه آفرینش تبعی زن

نظریه آفرینش فرعی و تبعی زن، به‌رغم شهرت و کثرت مدافعان آن، دلیلی از قرآن ندارد، جز بعضی روایات که پس از این به اعتبار و ارزش اثباتی آن‌ها توجه خواهد شد. اینک آرای بعضی مفسران در نقد نظریه مزبور و اثبات همسانی زن و مرد در آفرینش تبیین می‌گردد.

۱-۳. اشتراک منشاء آفرینش آدم و حوا در قرآن

ظاهر از آیات قرآن آن است که انسان‌ها جملگی از یک حقیقت انسانی (نفس واحده) آفریده شده‌اند. «نفس» به معنای ذات و حقیقت است و نفس هر چیزی، ذات، عین و حقیقت آن است. پس «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، یعنی همه شما را از یک ذات و حقیقت آفرید (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۱۰۰). هرچند مصداق نخست «نفس واحده» حضرت آدم^(ع) است، ولی دلیلی از قرآن وجود ندارد که حوا از بدن حضرت آدم^(ع) آفریده شده باشد، بلکه ظاهر از آیات این است که حوا نیز از همان نفس واحده آفریده شد. اساساً جمله فوق ناظر به چگونگی آفرینش بدن‌های آدم و حوا نیست، بلکه هدف بیان این نکته است که نسب همه آدمیان به آدم و حوا می‌رسد و منشاء آفرینش آن دو نیز یک حقیقت نفسانی است. علامه طباطبائی با اشاره به این مطلب می‌نویسد: «ظاهر جمله ﴿وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ این است که همسر آدم از نوع خود آن حضرت و انسانی مثل خود او بود و این همه افراد بی‌شمار از انسان که در سطح کره زمین منتشر شده‌اند، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم منشأ گرفته‌اند» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۶). سپس علامه می‌نویسد: «اینکه در بعضی از تفسیرها آمده که مراد از آیه مورد بحث این است که همسر آدم از بدن خود درست شده، صحیح نیست، هرچند در روایات آمده که حوا از دنده آدم خلق شده، لیکن از خود آیه استفاده نمی‌شود و در آیه، چیزی که بر آن دلالت کند، وجود ندارد» (همان و ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۴۶).

برخلاف دیدگاه سابق که حرف «من» در آیه شریفه را برای تبعیض می‌داند، مدافعان نظریه اخیر درباره این کلمه، دو احتمال دیگر را مطرح کرده‌اند. بعضی مفسران این حرف را «نشویه» دانسته‌اند که منشاء آفرینش حضرت حوا را بیان می‌دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۶ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۱۰۴). بعضی دیگر آن را «بیانی» دانسته‌اند و نوشته‌اند:

«دلیلی بر این نیست که حرف "من" برای تبعیض باشد، بلکه ممکن است برای بیان باشد؛ مانند آیه ۲۱ سوره روم که فرمود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۱﴾. بنابراین، معنی آیه چنین است که همگی از نفس واحد هستند و انسان و زوج او از اصل واحد، یعنی خاک آفریده شده‌اند. اما قول کسانی که می‌گویند مراد از زوج، حواست، دلیلی از قرآن بر آن وجود ندارد» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۲۴۴).

حقیقت واحده‌ای که در آیات فوق به‌اجمال از آن یاد شد، در سایر سوره‌ها به‌تفصیل مشخص شده‌است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۱۰۶). مطابق آیات دیگر، انسان اولی، یعنی حضرت آدم^(ع) از گِل آفریده شد (السجده/۷). آنگاه از روح الهی در او دمیده شد (الحجر/۲۹). مطابق روایاتی که پس از این بیان خواهد شد، همسر او حوا نیز به همین ترتیب از باقی‌مانده همان گِل آفریده شد و از روح الهی در وی دمیده شد. از آن پس، نسل آن‌ها از نطفه یا «ماء مهین» آفریده شده‌اند (السجده/۸) و آفرینش آن‌ها با واسطه به همان نفس واحد بازمی‌گردد. این مطلب آن چیزی است که از مجموع آیات قرآن استنباط می‌شود. اینک برای توضیح بیشتر به آرای گروهی از مفسران معاصر اشاره می‌گردد.

استاد مطهری نیز از کسانی است که مرد و زن را تک‌سرشتی می‌داند و می‌نویسد:

«قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم... در قرآن، از آنچه در بعضی از کتب مذهبی هست که زن از مایه‌ای پست‌تر از مایه‌ی مرد آفریده شده‌است و یا اینکه به زن جنبه‌ی طفیلی و چپی داده‌اند و گفته‌اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده، اثر و خبری نیست. علی‌هذا در اسلام نظریه‌ی تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۳۱).

در تفسیر نمونه، درباره‌ی ﴿وَوَخَّلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ چنین آمده‌است:

«بعضی مفسران از این تعبیر چنین فهمیده‌اند که همسر آدم از بدن آدم آفریده شده‌است و پاره‌ای از روایات غیرمعتبر را شاهد بر آن گرفته‌اند، ولی با توجه به سایر آیات قرآن، مانند آیه ۲۱ سوره روم و ۷۲ سوره نحل، منظور از آن

این است که خداوند همسر او را از جنس او آفرید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۴۶).

آیت‌الله جوادی آملی چند پرسش اساسی درباره آفرینش زن و مرد مطرح نموده، می‌نویسد:

«آیا خلقت زن و آفرینش مرد از دو گوهر مستقل و دو مبداء قابل جدی‌گانه است تا هر کدام آثار خاص و لوازم مخصوص خود را داشته باشد؟ یا هر دو از یک گوهرند و هیچ امتیازی بین آن‌ها از لحاظ گوهر وجودی نیست، مگر به اوصاف کسبی و اخلاق تحصیلی؟ یا آنکه مرد بالأصله از یک گوهر خاص خلق شده، سپس زن از زواید مبداء تابع مرد به طور متفرع بر آن آفریده شده‌است؟ یا به عکس است؟ یعنی زن بالأصله از یک گوهر معین آفریده شده، سپس مرد از زوائد مبداء تابع مرد به طور طفیلی و فرع وی آفریده شده‌است؟» (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۳۱).

ایشان پس از طرح پرسش‌های چهارگانه در مقام پاسخ به این پرسش‌ها می‌فرماید:

«احتمال اول جایگاهی در تفسیر و شواهد قرآنی و مانند آن ندارد؛ چنان‌که احتمال چهارم نیز فاقد هر گونه شواهد قرآنی و روایی است. عمده، احتمال دوم و سوم است. آنچه از ظواهر آیات ناظر به اصل آفرینش استنباط می‌شود و برخی از احادیث نیز آن را تأیید می‌نمایند، همانا احتمال دوم است و اما احتمال سوم نه تنها از ظواهر آیات راجع به خلقت استظهار نمی‌شود، بلکه بعضی از احادیث نیز آن را ناصواب می‌داند» (همان).

سپس ایشان با اشاره به آیه قبل ادامه می‌دهد:

«مفاد آیه مزبور اولاً این است که همه انسان‌ها از هر صنف... از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبداء قابل آفرینش همه افراد یک چیز است. ثانیاً اولین زن که همسر اولین مرد است، او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده‌است، نه از گوهر دیگر و نه فرع بر مرد و زائد بر او و طفیلی وی، بلکه خداوند اولین

زن را از همان ذات و اصلی آفریده که همه مردها و زنها را از همان اصل خلق کرده‌است» (همان: ۳۲).

بنابراین، تطبیق واژه نَفْس در آیه بر حضرت آدم^(ع) صحیح نیست و مراد از آن، «گوهر، ذات، اصل و واقعیت عینی شیء» است (همان). در نتیجه، مراد این است که خداوند همسر آدم^(ع) را از جنس او آفرید، نه جزئی از او یا از اعضای بدن او. مطابق تفسیر فوق، ترجمه آیه پیشین چنین است: «ای مردم! از پروردگارتان که شما را از نَفْس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا داشته باشید».

۲-۳. اشتراک هدف آفرینش مرد و زن در قرآن

پیش از این اشاره شد که مفسران گروه نخست، مرد را اصل و زن را فرع دانسته‌اند و برای جنس مرد بر جنس زن در آفرینش فضیلت و برتری قائل هستند. این مطلب نیز مانند مطلب سابق دلیلی از قرآن ندارد. قول به آفرینش فرعی و تبعی زن از مرد مبتنی بر آن است که واژه «أَزْوَاج» در جمله ﴿أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾^۸، به «زوجات» تفسیر شود و از آن چنین نتیجه‌گیری شود که زنان برای آرامش مردان آفریده شده‌اند. این تفسیر صحیح به نظر نمی‌رسد. مطابق بیان واژه‌شناسان (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۴)، کلمه «ازواج» در جمله فوق، جمع «زوج» است. این کلمه در باب هر دو قرین که یکی نر و دیگری ماده باشد، استعمال می‌شود؛ یعنی هم به نر زوج می‌گویند و هم به ماده. «زوجه» واژه نامطلوبی است و در لغت صحیح به زن نیز زوج گفته می‌شود، نه زوجه (ر.ک؛ همان: ۳۸۵). به همین دلیل، در قرآن کریم درباره همسر مرد، لغت «زوجه» به کار نرفته‌است و به جای آن، از واژه «إِمْرَأَتِهِ»^۹ یا «زَوْجِهِ»^{۱۰} استفاده شده‌است. بنابراین، صحیح نیست که کلمه «ازواج» را در آیه مزبور جمع «زوجه» بدانیم و چنین نتیجه‌گیری شود که خداوند زن را برای آرامش مرد آفریده‌است. علامه طباطبائی با اشاره به همین مطلب درباره آیه ﴿أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^{۱۱} می‌نویسد: «معنای آیه این است که برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند، از جنس خودتان زوج آفرید»

(طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۴۹). بنابراین، این طور نیست که فقط زن برای آرامش مرد آفریده شده باشد، بلکه مرد نیز برای آرامش زن آفریده شده است. بدین ترتیب، هر یک از زن و شوهر زوج دیگری است و مایه آرامش یکدیگر هستند (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق.، ج ۲۳: ۱۳۴).

۳-۳. همسانی مرد و زن در نظام ارزشی قرآن

از نظر قرآن کریم، ملاک ارزشگذاری آدمیان، اموری ذاتی نظیر جنسیت و قومیت نیست. مطابق آیه ۱۳ سوره حجرات، افراد انسان از مرد و زن و قومیت‌های مختلف از نظر «حقیقت انسانیت» یکسانند و هیچ فرقی در این زمینه ندارند؛ زیرا هر یک آنان از پدر و مادری از جنس بشر متولد شده‌اند. پس دیگر جا ندارد یکی بر دیگری تکبر ورزد و خود را از دیگران بهتر بشمارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۵). در قرآن کریم، معیارهای ارزشگذاری انسان‌ها اموری اکتسابی است؛ نظیر تقوی^{۱۱}، دانش^{۱۲}، سوابق جهادی^{۱۳} و مانند این‌ها. مطابق این آیات، نظریه فرادستی و شرافت طبیعی مردان بر زنان صحیح نیست؛ زیرا «خدای سبحان همسر آدم^{۱۴} را نیز از همان حقیقت واحد آفرید؛ یعنی یک حقیقت مبدأ قابل پیدایش آدم و همسر اوست. زن از مرد آفریده نشده است تا اینکه مرد فضیلت و شرافت تکوینی داشته باشد. جسم و روح حوا^{۱۵} هم‌سنخ جسم و جان آدم^{۱۶} بوده است؛ زیرا با بخشی از طین، بدن حضرت آدم و با بخش دیگر آن، بدن حضرت حوا آفریده شد. روح آدم و حوا^{۱۷} نیز مستقیماً و مستقلاً تنزل یافته است و به بدن‌های آنان تعلق گرفته است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۸۹ و ر.ک؛ همان: ۱۰۷).

۴. آفرینش زن در روایات تفسیری

مهم‌ترین دلیل، بلکه تنها دلیل نظریه آفرینش تبعی زن، بعضی روایاتی است که در منابع روایی ما وجود دارد و همین روایات به منابع تفسیری راه یافته است و ذهن مفسران را شکل داده است. نخست به بعضی از این روایات اشاره شده، سپس اعتبار آن‌ها ارزیابی خواهد شد.

۱-۴. روایات آفرینش تبعی زن از مرد

روایات متعددی بر آفرینش تبعی زن دلالت دارند. ابوبصیر می‌گوید:

«امام باقر^(ع) در حرم نشسته بود و پیرامون ایشان گروهی از دوستانش جمع شده بودند. طاووس یمانی وارد شد و از امام اجازه خواست تا سؤالی را مطرح کند. از جمله پرسش‌های طاووس یمانی این بود که پرسید: چرا حوا را به این نام خوانده‌اند؟ امام فرمود: «لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ حَىٍّ يَعْنِي ضِلْعَ آدَمَ: زیرا حوا از استخوانی زنده، یعنی استخوان آدم آفریده شده است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۲۸).

سکونی از امام صادق^(ع) و او از پدرش نقل کرده‌است که امام علی^(ع) برای تعیین میراث خنثی، دنده‌های او را می‌شمرد. پس اگر دنده‌های او از دنده‌های زنان یکی کمتر بود، حکم می‌کرد به میراث مرد؛ زیرا دنده‌های مرد یکی کمتر از دنده‌های زن است. سپس امام فرمود: همانا حوا از دنده پایین چپ آدم خلق شده‌است: «لِأَنَّ حَوًّا خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعِ آدَمَ^(ع) الْقُصْوَى الْيُسْرَى فَتَقْصَ مِنْ أَضْلَاعِهِ ضِلْعٌ وَاحِدٌ» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۲۶).

در بعضی روایات، میان آفرینش متفاوت زن و مرد و بعضی تفاوت‌ها در احکام هر یک از آنان رابطه برقرار شده‌است. مطابق بعضی نقل‌ها از رسول خدا^(ص) سؤال شده‌است:

«آیا آدم از حوا خلق شده‌است یا حوا از آدم؟ حضرت فرمودند: حوا از آدم آفریده شده‌است و اگر آدم از حوا آفریده شده بود، می‌باید طلاق در دست زنان باشد، نه مردان. سائل عرضه داشت: آیا حوا از تمام آدم خلق شد، یا از بعضی او؟ حضرت فرمودند: از بعضی او خلق شد و اگر از تمام او آفریده شده بود، باید قصاص در زنان همچون قصاص در مردان جایز باشد. سائل عرض کرد: آیا حوا از ظاهر آدم خلق شده یا از باطن او؟ حضرت فرمودند: از باطن او و اگر از ظاهر او آفریده شده بود، می‌باید زنان همچون مردان بدون پوشش باشند و به همین سبب است که طایفه نسون باید مستور و پوشیده باشند. سائل عرض کرد: از راست آدم آفریده شد، یا از قسمت چپش؟ حضرت فرمودند: از

قسمت چپ آدم خلق شد و اگر از سمت راست او آفریده شده بود، باید اناث از نظر حظّ ارثی با ذکور مساوی باشند و به همین دلیل است که خدا برای اناث یک سهم و برای ذکور دو سهم قرار داده است و نیز شهادت دو زن مثل شهادت یک مرد منظور شده است. سائل عرض کرد: از کجای قسمت چپ آدم خلق شده است؟ حضرت فرمودند: از گِلِ زیادی دنده چپ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۷۱).

نظریه آفرینش تبعی زن دلیلی جز روایات مزبور ندارد. به همین دلیل، بررسی اعتبار و مقایسه آنها با روایات دیگر در نتیجه گیری نهایی اهمیت زیادی دارد. از این رو، در ادامه، روایات دیگری مربوط به آفرینش آدم و حوا و نیز آرای دانشمندان پیرامون اعتبار آنها مورد توجه قرار می گیرد.

۲-۴. بررسی اعتبار روایات آفرینش تبعی زن

هرچند بعضی روایات مربوط به آفرینش تبعی زن به لحاظ سند ظاهراً اعتبار دارند، ولی به دلایل متعدد نمی توان به آنها اعتماد کرد و حق با مفسرانی است که آنها را غیر قابل اعتماد و ضعیف ارزیابی کرده اند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۴۵). مهم ترین دلایل عدم اعتبار روایات مزبور به شرح زیر است:

۱-۲-۴. تعارض با روایات دیگر

مضمون روایات آفرینش تبعی زن در تعارض آشکار با روایات دیگری است که پیرامون آفرینش آدم و حوا وارد شده است. زراره بن أعین در ارتباط با چگونگی آفرینش حوا از امام صادق^(ع) پرسید و به ایشان عرض کرد: «بعضی معتقدند خداوند حوا را از پایین ترین استخوان های دنده سمت چپ آدم خلق کرد! امام در پاسخ فرمود: خداوند از این کار پاک و منزّه است! آیا فردی که چنین اعتقادی دارد، می پندارد که خداوند توانایی آن را نداشت تا همسری برای آدم بیافریند که از دنده های او نباشد تا این ابهام برای یاوه گویان ایجاد نشود که آدم با قسمتی از بدن خودش ازدواج کرد؟! این چه

باوری است که برخی بدان معتقدند؟! پروردگار خودش بین ما و ایشان قضاوت کند»^{۱۳}. شیخ صدوق این حدیث را در *من لا یحضر الفقیه* به صورت مرسل (ر.ک، ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۷۹)، ولی در *علل الشرائع* به صورت مسند نقل کرده است (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷). همچنین، عمرو بن ابی المقدام از پدرش روایت نموده است که گفت:

«من از امام باقر^(ع) پرسیدم: پروردگار حوا را چگونه آفرید؟ فرمود: مردم در این باب چه می‌گویند؟ عرضه داشتم: می‌گویند او را از دنده‌ای از دنده‌های آدم آفرید. فرمود: دروغ می‌گویند. مگر خدا عاجز بود که او را از غیر دنده آدم خلق کند؟ عرضه داشتم: فدایت شوم! پس او را از چه آفرید؟ فرمود: پدرم از پدران بزرگوارش از رسول خدا^(ص) نقل کرده است: خدای تبارک و تعالی مشتی از گِل را قبضه کرد و آن را با دست راست خود مخلوط نمود. البته هر دو دست او راست است! آنگاه آدم را از آن گِل آفرید و مقداری زیاد آمد که حوا را از آن مقدار زیادی خلق کرد» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۳۰)^{۱۴}.

دو دسته روایات مزبور صرفاً در محتوی با هم ناسازگار نیستند تا بتوان به نوعی میان آن‌ها جمع کرد، بلکه روایات دسته دوم، روایات دسته اول را تکذیب می‌نمایند. تعبیر «أهل التَّشْبِیح» یا «کذبوا» در روایات دسته دوم نشان می‌دهد که روایات دسته نخست به اهل بیت نسبت داده شده است و خود آنان انتساب این سخنان به خود را انکار کرده‌اند. با توجه به تکذیب صریحی که نقل گردید، نمی‌تواند به روایات مزبور اعتماد کرد.

۴-۲-۲. انطباق نداشتن با ظاهر آیات قرآن

غیر از تعارض روایات مزبور با هم، روایات آفرینش تبعی زن با ظاهر قرآن تطبیق ندارند. علامه طباطبائی پس از نقل روایات آفرینش آدم و حوا از منشأ مشترک می‌نویسد: «در این میان، روایات دیگری نیز هست که دلالت دارد بر اینکه خداوند حوا را از پشت آدم، یعنی از کوتاه‌ترین ضلع او (که سمت چپ اوست)، خلق کرده است. همچنین، در *تورات*، در فصل دوم از سفر تکوین چنین آمده است، لیکن هر چند چنین چیزی فی‌نفسه

مستلزم محال عقلی نیست، اما آیات کریمه قرآن از چیزی که بر آن دلالت کند، خالی است» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۴۷).

۳-۲-۴. احتمال صدور به علت تقیه

چنان که اشاره شد، بعضی روایات ناظر به آفرینش تبعی زن به لحاظ سند مورد اعتماد هستند و در این صورت، احتمال جعل منتفی خواهد بود. علامه مجلسی در توجیه تعارض میان روایات می نویسد:

«روایاتی که ناظر به خلقت حوا از دنده های چپ آدم هستند، به دلیل تقیه و هراس از مخالفت با تفکر موجود در آن زمان صادر شده اند یا اینکه مقصودشان آن است که خلقت حوا از باقی مانده خاک خلقت آدم بوده است، نه آنکه واقعاً از قسمتی از بدن آدم آفریده شده باشد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۱: ۱۱۶).

بعضی دانشمندان با اشاره به این مطلب و درباره بعضی احادیث سخنان شایسته توجیهی دارند که ابتدا اصل حدیث و آنگاه ملاحظات پیرامون آن نقل می گردد:

عاصم بن حمید از محمد بن قیس از امام باقر^(ع) روایت کرده است که فرمود:

«در آن میان که شریح قاضی در مجلس قضا بود، زنی نزد او آمد و گفت: ای قاضی! میان من و دشمنم قضاوت کن. شریح گفت: دشمن تو کیست؟ زن گفت: تو! قاضی گفت: از سر راه او کنار روید. پس حاضران راه باز کردند تا زن جلو آمد. پس شریح گفت: چه ظلمی بر تو رفته است؟ زن گفت: آنچه مردان و زنان دارند، من به تنهایی دارم. شریح گفت: امیرالمؤمنین علی^(ع) در این زمینه بر وضع مجرای ادرار قضاوت می کند. زن گفت: من با هر دو ادرار می کنم و هر دو یک وقت آرام می گیرند. شریح گفت: به خدا قسم من چیزی عجیب تر از این نشنیده ام! زن گفت: در این میان چیزی عجیب تر وجود دارد. شریح گفت: آن چیست؟ زن گفت: شوهرم با من مجامعت کرده است و من از او فرزندی آورده ام و من با کنیز خود مجامعت کرده ام و او از من فرزندی آورده است. در این هنگام، شریح از سر تعجب دست ها را بر هم زد و آنگاه به نزد

امیرالمؤمنین^(ع) آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! قضیه‌ای بر من عرضه شده است که عجیب‌تر از آن نشنیده‌ام. سپس داستان آن زن را گزارش کرد. امیرالمؤمنین^(ع) در این باب از او سؤال کرد. زن گفت: داستان همان گونه است که او گفت. فرمود: شوهر تو کیست؟ گفت: فلان شخص. پس امیر^(ع) کسی از پی او فرستاد و او را فراخواند و گفت: آیا این زن را می‌شناسی؟ گفت: آری، او همسر من است. پس درباره اظهارات زن از او جويا شد و او گفت: واقع امر همین است. علی^(ع) قنبر را فرمود که آن زن را با زنی دیگر درون حجره‌ای ببر و دنده‌هایش را بشمار. پس شوهر آن زن گفت: یا امیرالمؤمنین! من مردی را بر او امین نمی‌شمارم و به زنی بر او اطمینان ندارم. پس علی^(ع) امر کرد تا «دینار خصی» را که مردی از صالحان مردم کوفه و مورد وثوق بود، حاضر کردند. پس او را فرمود: ای دینار! دنده‌های این زن را بشمار. دینار چنین کرد و دنده‌هایش هفده عدد بود؛ نه دنده در سمت راست، و هشت در سمت چپ. پس علی^(ع) جامه مردان و کلاه و نعلین به او پوشاند و ردا به دوشش بیفکند و او را به جمع مردان پیوست. پس شوهرش گفت: یا امیرالمؤمنین! دختر عمویم را که از من فرزند آورده، به جمع مردان می‌پیوندى؟ پس علی^(ع) فرمود: من حکم خدای - عزّ و جَلّ - را بر او راندم؛ زیرا خدای تعالی حوا را از آخرین دنده چپ آدم آفریده است و دنده‌های مردان نقصان دارد و دنده‌های زنان کامل است» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق.، ج ۴: ۳۲۸).

غرض از نقل ترجمه متن طولانی حدیث، اشاره به ملاحظات بعضی دانشمندان پیرامون متن حدیث است که نوشته‌اند:

«این خبر هرچند از نظر سند، حسن است، لیکن از نظر متن، مخالف اعتبار است و اصل در خبر، خلق حوا از ضلع آدم عامه‌اند و طعن بر آن از طریق امامیه آمده است و شیخ این خبر را در تهذیب آورده است و جمله "شوهرم با من مجامعت کرده است و من از او فرزندی آورده‌ام" را ندارد، و نباید هم داشته باشد؛ زیرا این خنثی در واقع، مرد بوده و مرد حامله نمی‌شود و به نظر می‌رسد درباره قضاوت امیر مؤمنان علی^(ع) درباره خنثای مشکل‌مطلبی بوده است و راوی آن را به صورت حکایت جالب درآورده است و کاملاً از لفظ "ردا" و

"قلنسوه" و "نعلین" آشکار است که قصه است، نه خیر» (غفاری و صدر بلاغی، ۱۴۰۹ق.، ج ۶: ۲۴۱).

۴-۲-۴. شبهه اسرائیلی بودن

روایات آفرینش تبعی زن با متن *تورات* شباهت بسیاری دارد و بعید نیست که از *تورات* به منابع اسلامی راه یافته باشد. آیت الله جوادی آملی با اشاره به این مطلب می نویسد:

«در برخی روایات آمده است که همسر آدم از دنده چپ آفریده شده، اما برخی دیگر از روایات، این مطلب را تکذیب می کنند... بر این اساس، روایاتی که به خلقت حوا^(ع) از دنده چپ آدم^(ع) ناظر هستند، طرد می شوند؛ زیرا شبهه اسرائیلی بودن نیز دارند و تعلیل های آنها همسو با سایر روایات نیستند، بلکه مشابه آن در تعالیم محرف عهد عتیق موجود است...» (جوادی آملی، ۱۳۱۸، ج ۱۷: ۱۸۰ و ۱۸۱).

۴-۲-۵. مخالفت با علم و تجربه

مطابق روایات دسته نخست، تعداد دنده های زن و مرد متفاوت است و مردان یک دنده از سمت چپ کمتر از زنان دارند؛ زیرا خداوند موقع آفرینش حوا یک دنده از دنده های سمت چپ حضرت آدم را گرفت و با آن همسرش حوا را خلق کرد. بعضی مانند شیخ صدوق در توجیه این متن حدیث نوشته است: «منظور از حدیث آن است که حوا از باقی مانده گل یکی از دنده های حضرت آدم آفریده شده است، نه اینکه بعد از تکمیل خلقت حضرت آدم، یکی از دنده های پایین سمت چپ او گرفته شده، با آن حوا خلق شده باشد» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق.، ج ۳: ۳۸۰)^{۱۵}. مصحح کتاب شیخ، ذیل عبارت ایشان به نقل از استاد شعرانی می نویسد: «گمان می کنند مرد دنده اش کمتر از دنده زن است، در حالی که به حسن و تجربه چنین نیست، بلکه دنده های آنان در چپ و راست برابر است و تکذیب امام^(ع) برای این حدیث نیز مؤید به حسن است و نیازی به تأویل و

تکلف ندارد» (همان: ۳۸۱). این مصحح در جای دیگر کتاب، ذیل روایت سکونی از امام صادق^(ع) درباره میراث خنثی می‌نویسد: «به نظر مشهور، این روایت ضعیف است و مفاد آن مخالف حسن و تجربه است» (همان، ج ۴: ۳۲۶). بدین ترتیب، نابرابری دندنه‌های زن و مرد با دانش و تجربه ناسازگار است و نمی‌توان به روایات مربوط به آن اعتماد کرد.

نتیجه‌گیری

این نوشتار آرای مفسران را درباره آفرینش آدم و حوا و مرد و زن و نیز مسئله آفرینش تبعی زن از مرد بررسی کرده‌است. از مباحث متن مقاله نتایج زیر حاصل شده‌است:

۱. بیشتر مفسران منشاء آفرینش آدم و حوا را متفاوت دانسته‌اند. به اعتقاد آنان، حوا از قسمتی از بدن حضرت آدم آفریده شده‌است. همچنین، آنان معتقدند خدای سبحان زن را برای آرامش مرد آفریده‌است. بر اساس این برداشت از قرآن کریم، آنان قائل به فضیلت و شرافت طبیعی مرد بر زن شده‌اند.

۲. نظریه آفرینش حوا از آدم^(ع) یا زن برای مرد دلیل قابل اعتمادی ندارد و تنها دلیل آن، ظاهر بعضی روایات است که به دلیل متعدد شایسته اعتماد نمی‌باشند؛ از جمله وجود روایاتی معارض با آنها، انطباق نداشتن با ظاهر آیات قرآن، احتمال صدور از روی تقیه، شبهه اسرائیلی داشتن، و مخالفت آنها با دانش و تجربه.

۳. بر اساس بررسی‌های انجام شده، از منظر قرآن کریم و روایات معتبر، منشأ و هدف آفرینش آدم و حوا یا مرد و زن یکسان است. در نتیجه، آدم و حوا، بلکه همه مردان و زنان فضیلت و شرافت یکسانی در آفرینش دارند و معیار تفاوت آدمیان در نظام ارزشی قرآن، اوصافی اکتسابی مانند تقوی، دانش و جهاد است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...﴾.

۲. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...﴾

۳. بیان ملاصدرا چنین است: «و منها تولد الحيوانات المختلفة وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ؛ بعضها للأكل وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ بعضها للرُّكُوبِ وَ الزَّيْنَةَ وَ الْحَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ بعضها للحمل وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا يَشِقُّ الْأَنْفُسُ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ وَ بعضها لِلتَّجْمُلِ وَ الرَّاحَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ وَ بَعْضُهَا لِلنِّكَاحِ وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ بَعْضُهَا لِلْمَلَابَسِ وَ الْبَيْتِ وَ الْأَثَاثِ وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَافِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ».

۴. ملاهادی سبزواری از شارحان حکمت متعالیه در حاشیه اش بر/سفر نوشته است: «فی إدراجها فی سلك الحيوانات إيماء لطيف إلى أن النساء لضعف عقولهن و جمودهن على إدراك الجزئيات و رغبتهن إلى زخارف الدنيا كدن أن يلتحقن بالحيوانات الصامتة حقا و صدقا أغلبهن سيرتهن الدواب ولكن كسهن صورة الإنسان لتلا يشمتر عن صحبتهن و يرغب في نكاحهن...».

۵. «... آن کس طبعاً بنده است که توانایی تعلق به دیگری را دارد (و به همین دلیل، عملاً به دیگری تعلق می یابد) و بهره اش از خرد فقط این است که آن را در دیگری می یابد، اما خود از آن چیزی ندارد و فرق او با ددان همین است؛ زیرا ددان [یکسره با خرد بیگانه اند و] خرد را درک نمی کنند، بلکه پیرو غرایز خویشند...» (ارسطو، سیاست: ۱۲).

۶. «بنده از توانایی اندیشیدن یکسره بی بهره است. زن این توانایی را دارد، ولی اختیار حکم ندارد» (همان: ۳۶ و نیز ر. ک؛ همان: ۱۱).

۷. ر. ک؛ همپتن، ۱۳۸۰: ۳۳-۵۳.

۸. مانند آیه ۲۱ سوره مبارکه یوسف که در قسمتی از آن آمده است: ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ...﴾

۹. مانند آیه ۱۰۲ سوره بقره که در قسمتی از آن آمده است: ﴿...يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ...﴾

۱۰. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (الحجرات/۱۳).

۱۱. ﴿...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (الزمر/۹).

۱۲. ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء/۹۵).

۱۳. بیان امام چنين است: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَنْ ذَلِكَ غُلُوبًا كَبِيرًا أَيْ يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقُدْرَةِ مَا يَخْلُقُ لِأَدَمَ زَوْجَةً مِنْ غَيْرِ ضِلْعِهِ وَيَجْعَلُ لِمُتَكَلِّمٍ مِنْ أَهْلِ التَّشْنِيعِ سَبِيلًا إِلَى الْكَلَامِ أَنْ يَقُولَ إِنَّ آدَمَ كَانَ يَنْكَحُ بَعْضُهُ بَعْضًا إِذَا كَانَتْ مِنْ ضِلْعِهِ مَا لَهُؤُلَاءِ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ﴾.

۱۴. «فی تفسیر العیاشی عن عمرو بن أبی المقدم عن أبیه قال: سألت أبا جعفر علیه السلام من أی شیء خلق الله حوا؟ فقال: أی شیء يقولون هذا الخلق؟ قلت: يقولون إن الله خلقها من ضلع من أضلاع آدم، فقال: كذبوا، كان يعجزه أن يخلقها من غير ضلعه؟ فقلت: جعلت فداك يا ابن رسول الله من أی شیء خلقها، فقال: أخبرني أبی عن آباءه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله، إن الله تبارك و تعالی قبض قبضة من طين، فخلطها بيمينه - و كلتا يديه يمين - فخلق منها آدم، و فضلت فضلة من الطين فخلق منها حواء».

۱۵. در این مأخذ، صدوق ذیل روایت نقصان ضلع حضرت آدم (ع) می نویسد: «وَمَعْنَاهُ مِنَ الطَّيْنَةِ الَّتِي فَضَلَتْ مِنْ ضِلْعِهِ الْأَيْسَرِ فَلِذَلِكَ صَارَتْ أَضْلَاعُ الرَّجُلِ أَنْقَصَ مِنْ أَضْلَاعِ النِّسَاءِ بِضِلْعٍ».

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبن علی. (۱۳۸۵). *عسل الشرائع*. قم: انتشارات مکتبه الداوری.

- _____ . (۱۴۱۳ق.). *من لا يحضره الفقيه*. تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى. قم: انتشارات جامعة مدرسين.
- ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق.). *تفسير القرآن العظيم*. ج ۳. رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *المنتخب من تفسير القرآن و النكت المستخرجة من كتاب التبيان*. ج ۱. قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعى نجفى (ره).
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق.). *تفسير التحرير و التنوير المعروف به تفسير ابن عاشور*. ج ۳۰. ج ۱. بيروت - لبنان: مؤسسة التاريخ العربى.
- ابوالفتوح رازى، حسين بن على. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن*. ج ۱. مشهد: آستان قدس رضوى، بنياد پژوهش هاى اسلامى.
- اشكورى، محمد بن على. (۱۳۷۳). *تفسير شريف لاهيجى*. ج ۱. تهران: دفتر نشر داد.
- بحرانى، يوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق.). *الحدائق الناظرة*. ط ۱. قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
- زن و خانواده در افق وحى*. (۱۳۹۱). ج ۱. قم: بوستان كتاب.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تفسير تسنيم*. ج ۱. قم: نشر اسراء.
- _____ . (۱۳۷۵). *زن در آيينه جلال و جمال*. ج ۱. قم: نشر اسراء.
- حجازى، محمد محمود. (۱۴۱۳ق.). *التفسير الواضح*. ج ۱. بيروت: دار الجيل.
- حقى برسوى، اسماعيل بن مصطفى. (بى تا). *تفسير روح البيان*. ج ۱. بيروت: دار الفكر.
- حويزى، عبدعلى بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسير نور الثقلين*. ج ۴. قم: اسماعيليان.
- زين الدين رازى، محمد بن ابى بكر. (۱۲۳ق.). *اسئلة القرآن المجيد و أجوبتها من غرائب آى التنزيل*. ط ۱. بيروت: المكتبة العصرية.
- دينورى، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق.). *تفسير ابن وهب المستقى الواضح فى تفسير القرآن الكريم*. ط ۱. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمدعلى بيضون.

- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. ج ۱. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی^(ره).
- شریف الرضی، محمدبن حسین. (۱۴۰۶ق.). *حقائق التأویل فی مشابه التنزیل*. ج ۱. لبنان - بیروت دار الأضواء.
- شیبانی، محمدبن حسن. (۱۴۱۳ق.). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. ج ۱. قم: نشر الهادی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق.). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. ج ۲. قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۲. لبنان - بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م.). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. اردن - اربد: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، احمدبن علی. (۱۴۰۳ق.). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. ج ۱. مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۱. بیروت: دار المعرفة.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. ج ۴. قم: اسماعیلیان.
- غفاری، علی اکبر، محمدجواد غفاری و صدر بلاغی. (۱۴۰۹ق.). *ترجمة من لا یحضره الفقیه*. ج ۱. تهران: نشر صدوق.
- فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. ج ۳. لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. ج ۱. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. ۱۴ ج. چ ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. چ ۳. قم: دار الکتب.
- کاشانی، فتح الله. (بی تا). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. چ ۱. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). *النکت والعیون تفسیر الماوردی*. ط ۱. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق.). *بحار الأنوار*. لبنان - بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). *مجموعه آثار*. چ ۱. قم: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر الکاشف*. چ ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چ ۱۰. دار الکتب الإسلامیة.
- صدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م.). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. ط ۳. لبنان - بیروت: دار احیاء التراث.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا). *جواهر الکلم فی شرح شرائع الاسلام*. ط ۷. لبنان - بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نسفی، عمر بن محمد. (۱۳۷۶). *تفسیر نسفی*. چ ۱. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - سروش.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۶ق.). *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*. ط ۱. قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامیة، لجنة إحياء التراث الإسلامی.
- ویلیام گلن و هنری مرتن. (۱۳۸۰). *کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید*. ترجمه فاضل خان طهرانی. تهران: اساطیر.
- همپتن، جین. (۱۳۸۰). *فلسفه سیاسی*. ترجمه خشایار دیهیمی. چ ۱. تهران: طرح نو.